

گوللی

صدرحمانی خیابوسی

ترجمہ

لیلیٰ موحد

انتشارات شایستہ

سرشناسه	:	رحمانی خیای، صمد، ۱۳۳۴ -
عنوان قراردادی	:	دوردمونجوسو یولدادی، فارسی
عنوان و نام پدیدآور	:	گوللی / صمد رحمانی خیای؛ ترجمه ی لیلی موحد.
مشخصات نشر	:	تبریز: شایسته، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	:	۲۵۰ ص: ۱۴×۲۱ س.م.
شابک	:	۲۰۰۰۰ ریال 9-64-6573-600-978 :
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
موضوع	:	داستان های ترکی -- ایران -- قرن ۱۴
موضوع	:	Turkish fiction -- Iran -- 20th century
شناسه افزوده	:	موحد، لیلی، ۱۳۶۸ -
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۶ ۹۱۵۵۳۱۵۷/۳۱۴PL
رده بندی دیو	:	۸۹۴/۳۶۱۳
شماره کتابخانه	:	۴۶۲۳۷۱۴



انتشارات شایسته
تبریز: خیابان امام- رویروی سر - طالقانی
تلفن تماس: ۳۵۵۶۱۹۶۱

گوللی

صمد رحمانی خیای

ترجمه: لیلی موحد

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶

اندازه: رقعی

تعداد صفحه: ۲۵۰

تیراژ: ۱۰۰۰

چاپ: شهاب، صحافی: اسلامی

قیمت: ۲۰۰۰۰۰ ریال

ISBN: 978-600-6573-64-9

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۷۳-۶۴-۹

پیشگفتار

"دور و مونجو یولدادی" را قریب دو سال در قفسه ی کتابخانه ی خود داشتم. هر از گاهی آن را برداشته و چند سطر ی به صدای بلند برای خود می خواندم. این کار در فهم سریع جملات در ابتدای آشنایی با هر زبان تازه ای موثر است. من برای اولین بار به زبان مادری خود کتاب می خواندم و تا از هجی کردن و تلاش برای فهم دقیق جملات خسته می شدم، آن را به کناری می نهادم. در حین این سیاحت پر زحمت و نخست خالی از رغبت جملات ساده و بی الایش دهرمانان داستان توجهم را جلب کردند و مرا با صمیمیت خود به دنیای دیگر بردند. تنها دو سه کوچه از کوچه زادگاه من فاصله داشت و من چون غریبه ای در آن قدم می گذاشتم، کشانیدند. در ادامه خواندن کتاب زحمت آن کمتر و کمتر شد و من بیشتر در تار و پود زندگی ای که نویسنده به استادی از زبان راویان داستان ترسیم کرده است در پیچ و خم کوچه ها و خانه های بدون دیوار محله ی فقیر نشین جایپاره آمدم. صدای اعتراض گوللی را شنیدم و رنج محرم را در استخوانهای خود باز یافتم. شرمندگی محزون عسگر داستان برای از میان برداشتن کمبودهای زندگی مادر و کاهش رنجهای پدر عرق شرم بر پیشانی اندیشه نشانید و در غم کویه های پریشان و در عین حال اندیشیده ی بیمار تیمارستان بیان روان پریشی نسل خود را فهمیدم و در کنار تلی بهت زده زوال تدریجی آن را باور کردم.

آیا تلاشهای ذهن آشفته ی بیمار عصر ما برای سامان دادن به توالی خاطره های تاریخ و انتقال یادواره های نسل های پیشین به کاغذ پاره هایی چند روح آزاده ی نسل خود را بهبودی می بخشید؟ از خود پرسیدم. تندیس فقر

مادی در خاطره‌ی محرم و تجسم رنج دو گانه‌ی زن در کلام آزاد و لحن عاصی گوللی تبلور می‌یابند و مهربانی بی‌پایان در تار و پود روابط انسانی‌هایی از این دست مهر و عشق را در دل بیدار می‌کند. گوللی چون جزو جدایی‌ناپذیر حافظه‌ی تاریخی عامه‌ی مردم شهر خود در کوچه‌های نامرئی راه می‌نماید و نویسنده در تصویر صریح تواضع و سادگی بی‌نظیر زندگی در فقیررین خانه‌های شهر آسودگی غفلت را به ستیز می‌خواند و با موزاییک‌های گمشده‌ی چندین نسل، ستون یادبودی در خور برای آنها پی می‌افکند. من پس از جملاتی از گذشتگان خود در مورد داستانهای گوناگون شهر به خاطر داشتم را یاد یک به تمامی با زوایای آن آشنا می‌شدم. بر آن شدم که کتاب را برای خاطر نامشمارانی که حوصله‌ی خواندن دشوار زبان مادری را ندارند به زبان فارسی برگردانم و بر آنها ذوق مراجعه به کتاب مبدا را بر انگیزم. چرا که همه‌ی مفاهیم باستانی کلمات مادر قابل‌تر جمان نبودند. و تنها ادای آنها در ساختار زبان اصلی لحن سخن قهرمان داستان را به گوش دل خواننده مخصوصاً هم وطنان هم زبان می‌ماند. تلاش من تنها به عنوان نقشه‌ی راهنمایی است که از فاصله‌ی مشخص نگزیری با روح کلام، گام‌های رهگذر را در کوچه‌های صمیمی و خاکی اثر زبان اصلی به سیر و سیاحت دعوت می‌کند.